



# شرایط ظہور

مہدی یوسفیان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**انتظار «۱۲»**

**شرایط ظهور**

---

**مهدی یوسفیان**

---

یوسفیان، مهدی، - ۱۳۴۹  
انتظار ۱۲ [دوازده]، شرایط ظهور / مولف مهدی یوسفیان. - قم:  
بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام؛ مرکز تخصصی  
مهدویت، ۱۳۸۹.

۸۴ ص.

ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۹۰-۳ ۱۰۰۰۰ ریال:

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. مهدویت - انتظار - احادیث ۲. آخرالزمان - احادیث ۳. محمد بن

حسن علیه السلام امام دوازدهم - ۲۵۵ق - یاوران ۴. مهدویت - پرسش و

پاسخ الف. بنیاد فرهنگی حضرت مهدی علیه السلام ب. مرکز تخصصی

مهدویت، ج. عنوان، د. عنوان: انتظار ۱۲ [دوازده]، شرایط ظهور.

۲۹۷/۴۶۲

۹ الف ۹ ی / ۲۲۴/۴ BP

۱۳۸۹



مرکز تخصصی مهدویت



کتابخانه حضرت مهدی علیه السلام

## شرایط ظهور (انتظار ۱۲)

مؤلف / مهدی یوسفیان

ویراستار / محمد رضا مجیری

ناشر / بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

صفحه آرا / عباس فریدی

نوبت چاپ / اول، پائیز ۸۹

شمارگان / سه هزار نسخه

بها / ۱۰۰۰ تومان

## مراکز پخش:

۱. قم: مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهدا /

کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان

ص. پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ ○ تلفن: ۰۷۳۳۷۸۰۱ ○ فاکس: ۰۷۳۳۷۱۶۰

۲. تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام

○ تلفن: ۰۸۸۹۹۸۶۰-۱-۴ ○ فاکس: ۰۸۸۹۸۱۳۸۹

ص. پ: ۱۵۶۵۵-۳۵۵

WWW.IMAMMAHDI۳۱۳.COM

info@imammahdi-s.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۹۰-۳

## فهرست مطالب

فصل اول: کلیات	۵
مقدمه	۶
ضرورت بحث	۸
تعریف	۱۲
فواید و آثار بحث	۱۴
فصل دوم: بررسی شرایط ظهور	۱۵
مقدمه	۱۶
رهبر	۱۸
طرح و برنامه	۲۵
یاران	۲۷
جایگاه یاران	۲۷
صفات یاران	۳۰
یاران مهدی در یک نگاه	۳۱
۱. معرفت عمیق به خدا و امام خویش	۳۱
۲. اطاعت کامل	۳۲
۳. عبادت و صلابت	۳۲
۴. جان نثاری و شهادت طلبی	۳۳
۵. شجاعت و دلیری	۳۴
۶. صبر و بردباری	۳۴
۷. اتحاد و همدلی	۳۵
۸. زهد و پارسایی	۳۵
معرفت لازم	۳۶
مراحل یاری	۴۱
تعداد یاران	۴۲
آمادگی و پذیرش مردمی	۴۴
پرسش و پاسخ	۵۱

## مقدمه ناشر

اندیشه مهدویت، پاسخگوی کامل و جامع به خواسته و نیاز دیرین انسان‌ها در اصلاح وضعیت نابسامان زندگی بشری است.

مهدویت نه فقط برای فردای مبهم بشریت، روشنی و زیبایی عرضه می‌کند که امروز بشر نیز در گرو فهم و معرفت به این موضوع است. و شناختن امام و راه، اهداف و جایگاه امام و وظایف ما در قبال او، همان زندگی جاهلی است که مرگ جاهلی را در پی دارد و روایات بسیاری به آن پرداخته‌اند.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام به همت پژوهشگران مرکز تخصصی مهدویت، در ادعای این مهم، مجموعه‌ای را به نام «انتظار» فراهم آورده تا به تبیین مباحث و موضوعات مختلف فرهنگ مهدویت به صورت مختصر و با حجمی اندک پردازد. و در کنار فصلنامه علمی تخصصی انتظار که ویژه پژوهشگران و متخصصان است؛ رهنمون عموم علاقمندان گردد.

مرکز تخصصی مهدویت

فصل اول:

کلیات

## مقدمه

هزاران سال از خلقت انسان می‌گذرد؛  
آفریده‌ای که خداوند هنگام آفریدنش بر خود  
آفرین گفت؛ «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»<sup>۱</sup>. او که با  
دمیدن نفخه الهی در کام وجودش، نشئه‌ای دیگر  
از عالم وجود را تجربه کرد؛ «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ»  
(مؤمنون: ۱۴)، تا موجودی خداگونه شود و مقام  
«فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» (نجم: ۹) و مرتبه بلند  
«فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ» (قمر: ۵۵) را به  
خود اختصاص دهد، او توانست با عظمتی که در  
درویش به ودیعه گذاشته شد، خلیفه خداوند  
گردد؛ «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰) و  
مسجود فرشتگان شود؛ «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ

---

۱. مؤمنون: ۱۴.

اسْجُدُوا لِآدَمَ﴾. (بقره: ۳۴)

اما چه روی داده و چه بر انسان گذشته است که کلام فرشتگان درپرسش از خداوند را در زندگی خود می‌بیند که:

﴿أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ

الدِّمَاءَ﴾؛

آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و

خونریزی کند؟!». (بقره: ۳۰)

آیا انسان برای چنین زندگی‌ای خلق شده است؟ آیا گذران عمرش باید این گونه باشد؟ چگونه است وقتی دفتر تاریخ بشر را ورق می‌زنیم، جز خطوط نورانی اندکی که با تلاش انبیا و اوصیا برای نجات بشر، نوشته شده است بقیه سطور چنان تاریک و ظلمانی است که دل هر خواننده را به درد آورده و چشم هر بیننده را گریان می‌کند. به راستی، تا چه زمانی باید این خطوط سیاه، کتاب تاریخ زندگی بشر را پلید و کثیف کند؟ خدایا! چه هنگام آنچه زیبنده مقام انسانی است، برایش جامعه بشری رقم می‌خورد و در صفحه حیاتش، ترسیم می‌شود؟



---

## ضرورت بحث

تأمل در نهاد آدمی و درک لطایف و ویژگی‌های نفس و درون او، روشن می‌کند که چرا انسان، برترین مخلوقات و شاهکار جهان آفرینش معرفی شده است. او موجودی عدالت خواه و حق جو است که هر جا با حقیقت وجود انسانی اش ظهور پیدا کرده، این حقیقت، نمود یافته و آشکار شده است. روحیه ایثار و گذشت، تعاون و همیاری، از صفات زیبای او است. در کنار این حالات ملکوتی و فرامادی، آنچه قابل دقت است این که انسان، زیبایی و صفای زندگی و لذت از بودن را وقتی معنا یافته می‌داند که شیرینی وجود و زندگی کردن، به کام همه انسان‌ها طعم پیدا کند و همگان آن را بچشند.

او طراوت و لطافت را زمانی ترجمه شده می‌بیند که محیط پیرامونش را شادابی فرا گرفته باشد. نشستن زیر درخت، کنار جوی آب روان و زلال، زمانی بر جان انسان گوارا می‌آید که چشم‌انداز نگاهش را درخت و سبزه، کوه‌های سر به فلک کشیده و امواج بی‌قرار دریا پر کرده باشد؛ اما اگر به هر طرف

نگاه کند، جز زباله و ویرانی نبیند و هوا از بوی تعفن آکنده باشد، آیا چنین منظره‌ای، لذت دیدن دارد و زیر چنین درختی، صفای نشستن معنا می‌یابد؟

آیا روزی فرا خواهد رسید که صحنه‌های جنگ و غارت، انفجارها و ویرانی‌ها پایان یابد؟ آیا زمانی خواهد شد که دیگر پدر، شب هنگام و موقع برگشت به خانه، سرافکننده و شرمسار از دست خالی و عدم توان تدارک قوت زندگی نباشد؟ به راستی آیا صبحی فرا می‌رسد که شعاعهای پر حرارت و زندگی بخش خورشید، به همه خانه‌ها و دل‌ها لبخند بنشانند؟

به جرأت می‌توان گفت میل فطری انسان‌ها به حق طلبی و اجرای عدالت از یک سو، و وجود ظلم و ستم‌های فراوانی که به دلیل هوا و هوس و منفعت طلبی و شیطان پرستی عده‌ای، در جامعه پدید آمده و می‌آید از سوی دیگر، مردمان را در جست‌وجوی مصلح و منجی بی‌قرار کرده است؛ زیرا وقتی آنان اجرای عدالت را در توان خود ندیدند، بر آن شدند که به پشتوانه کمک الهی و با حاکمیت مردی آسمانی، به این مهم نایل

شوند. این، یکی از حکمت‌هایی است که روشن می‌کند چرا انبیای الهی و اوصیای بزرگوارشان، نوید ظهور چنین بزرگ‌مردی را به مردم داده‌اند. اعتقاد به آمدن مصلح؛ ریشه در اعماق تاریخ و ادیان دارد. دین مقدس اسلام به ویژه مکتب تشیع نیز در باره ظهور این راد‌مرد الهی سخنان فراوانی دارد.

میل فطری عدالت‌خواهی در آدمیان و وجود احادیث مهدویت در مجموعه بزرگ معارف دینی، باعث شد مردم از همان صدر اسلام، به وجود مقدس مصلح کل، حساسیت ویژه پیدا کرده و به شناخت بیشتری از زوایای زندگی و ظهور او بپردازند؛ چرا که سخن از مهدی سخن از بزرگ‌مردی است که با ظهورش دامن ظلم برچیده شده و زمین، روی آرامش به خود می‌بیند و با اجرای عدالت، توسط او دیگر جایی برای زورمندان و زراندوزان نخواهد بود.

و روشن است با وجود آن که این رویداد بزرگ، آرزوی دیرینه جامعه بشری است، در این میان، شیطان صفتانی نیز وجود دارند که راحتی و بقای خود را در عدم تحقق این پدیده دانسته و برای جلوگیری از وقوع یا به

تأخیر انداختن آن، دست به هر اقدامی می‌زنند و از هر نیرنگ و دسیسه‌ای استفاده می‌کنند، تا وضعیت و شرایط در جامعه به گونه‌ای رقم بخورد که اهداف آنان را تأمین کرده و حاکمیتشان را تثبیت کند. در کنار این گروه، افراد سودجویی نیز یافت می‌شوند که برای رسیدن به منافع مادی و به سبب افزون طلبی، به دنبال آنند که با فریب مردم، خود را مهدی موعود معرفی کنند، تا بتواند با همراهی برخی افراد جاهل، ایامی چند به ارضای شهوات مادی خود پردازند.

اکنون جای این سؤال است که با وجود این گونه افراد، چگونه می‌توان خود را برای ظهور آماده کرد و از حيله دشمنان رهایی یافت؟ آیا تحقق انقلاب جهانی امام مهدی علیه السلام شرایط خاصی دارد؟ آیا برای پیدایش آن، نشانه و علامتی وجود دارد؟ با توجه به مخفی بودن زمان ظهور و وجود مخالفان و سودجویان، آیا مردم دچار حیرت و سرگردانی نمی‌شوند؟

اینجا است که بحث شرایط ظهور، جایگاه ویژه‌ای می‌یابد و ما در این نوشتار به بررسی این بحث می‌پردازیم.

## تعریف

ابتدا لازم است تعریف روشنی از موضوع بحث ارائه شود.

شرایط به معنای سببها و زمینهها، به اموری گفته می‌شود که تحقق مطلوب و مشروط، به وجود آنها بستگی دارد و بدون تحقق اینها، مشروط به وجود نمی‌آید. یعنی یک نوع رابطه علی و معلولی میان آنها برقرار است؛ مثلا برای آنکه محصول خوبی در تابستان برداشت شود لازم است شرایط آن مانند بذر سالم، آب مناسب، حرارت و تابش خورشید، کود کافی و سمپاشی به موقع فراهم شود، و یا دانش‌آموز برای آنکه نمره خوبی در پایان سال بگیرد و از جایزه برخوردار گردد باید در طول سال زحمت بکشد و به درستی درس بخواند. طبیعی است که در صورت عدم تحقق شرایط، نه کشاورز باید منتظر برداشت محصول مناسب باشد و نه دانش‌آموز باید در انتظار گرفتن نمره خوب و جایزه باشد.

بر این اساس، مراد از شرایط ظهور، آن دسته از اموری هستند که تحقق ظهور، وابسته به وجود آنهاست و تا آنها محقق

نشوند، ظهور نیز واقع نخواهد شد.  
 اینک مناسب است به تعریف علایم ظهور نیز  
 اشاره شود، تا تفاوت آن با شرایط روشن شود.  
 علایم، به معنای نشانه‌ها، به اموری گفته  
 می‌شود که نمایانگر مقصود و مطلوب  
 می‌باشند. مراد از علایم ظهور، آن دسته از  
 حوادثی است که بر اساس بیان پیشوایان  
 معصوم علیهم‌السلام، قبل یا در آستانه ظهور واقع  
 خواهد شد و تحقق هر کدام نزدیک شدن  
 قیام حضرت مهدی عجل‌الله‌فرجه را نوید می‌دهد.

با توجه به بیان فوق، می‌توان تفاوت‌های

علایم و شرایط ظهور را چنین برشمرد:

۱. علایم، فقط کاشف از پدیده ظهورند؛

ولی شرایط محقق ظهورند؛ از این رو علایم،  
 در پیدایش مطلوب، نقشی ندارند به خلاف  
 شرایط که در پیدایش مشروط، دارای تأثیرند؛

۲. لازم نیست علایم در یک زمان جمع

باشند، بلکه ممکن است یکی پس از دیگری  
 تحقق یابند؛ ولی شرایط باید در یک زمان  
 جمع باشند، تا پدیده ظهور تحقق عینی یابد؛

۳. علایم، از بین رفتنی است؛ ولی شرایط،

پایدار و باقی است؛

۴. علایم، قابل شناخت بوده و معمولاً به وجود آن می‌توان پی برد (زیرا خاصیت نشانه بودن این است)؛ ولی تحقق شرایط چندان قابل شناخت نیست و نمی‌توان به وجود آن آگاهی حتمی و کامل داشت (که آیا همه شرایط محقق شده است یا نه)؛

۵. ممکن است بعضی علایم موجود نشود و پدیده ظهور تحقق یابد، ولی شرایط، حتماً باید موجود شوند.

### فواید و آثار بحث

اگر آدمی بداند که ظهور منجی، شرایطی دارد و واقعاً مشتاق ظهورش باشد، حتماً به دنبال آن خواهد رفت که شرایط ظهور را در حدّ توان فراهم کند؛ زیرا می‌داند که تحقق مشروط وابسته به تحقق شرط است و تا شرط نباشد، مشروط نخواهد بود. پس فایده دانستن شرایط ظهور آن است که انسان‌ها را برای فراهم کردن شرایط به تلاش و جنبش وا می‌دارد.

از آنچه گذشت اهمیت شرایط در مقایسه با علایم نیز روشن می‌شود؛ زیرا ظهور، وابسته به تحقق شرایط است نه علایم؛ پس باید شرایط فراهم گردد تا ظهور ممکن شود.

فصل دوم:

بررسی شرایط ظهور



## مقدمه

با درنگی کوتاه در جهان و محیط پیرامون خود، به روشنی درمی‌یابیم که جهان هستی، عالم اسباب و مسببات بوده و تحقق هر پدیده، شرایطی دارد. این حقیقت، در سراسر گیتی قابل مشاهده بوده است؛ لذا دانشمندان را بر آن داشته که به کشف عوامل و زمینه‌های پدیده‌ها بپردازند. نه تنها انسان‌های درس خوانده و باسواد، زندگانی خود را بر اساس آن برنامه‌ریزی و مدیریت می‌کنند؛ بلکه افراد کم‌سواد یا بی‌سواد نیز این واقعیت را می‌دانند و بر پایه آن، امور زندگی خود را تنظیم می‌نمایند. در قرآن کریم و روایات نیز به این حقیقت اشاره شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

أَبَى اللّٰهُ أَنْ يُجْرِيَ الْأَشْيَاءَ إِلَّا بِالسَّبَبِ؛<sup>۱</sup>

خداوند از اینکه امور از طریق غیر عادی

انجام شود ابا دارد.

طبق این بیان نورانی، باوجود آنکه همه امور به دست خدا است؛ خداوند نیز با توجه به اسباب و شرایط امور، آنها را تدبیر می‌کند.

انقلاب‌ها و قیام‌هایی که در طول تاریخ شکل گرفته و جوامع را تحت تأثیر قرار داده‌اند نیز از شمول این قاعده خارج نیستند. بازخوانی انواع انقلاب‌ها و دقت در چگونگی پیدایش و تثبیت آنها، گواه بر این مطلب است که این تحولات اجتماعی با تکیه بر شرایط به پیروزی رسیده‌اند؛ مانند انقلاب اسلامی ایران که اگر رهبری امام خمینی علیه السلام نبود، هرگز چنین انقلابی به وقوع نمی‌پیوست.

انقلاب جهانی بزرگ منجی عالم بشریت نیز مانند سایر انقلاب‌ها دارای شرایطی است که با تحقق آنها، ظهور آن مرد بزرگ امکان‌پذیر خواهد بود. اندیشوران اسلامی با تأمل در پدیده

۱. بحار الانوار، ج ۲ ص ۹۰.

انقلاب و با توجه به بیانات بزرگان دین، چهار شرط برای انقلاب اسلامی حضرت مهدی علیه السلام ذکر کرده‌اند که به بررسی آنها می‌پردازیم.

تذکر مهم: بیان این نکته لازم است که قیام امام مهدی علیه السلام از سویی آسمانی و از سویی نیز انسانی و مربوط به جامعه بشری است؛ لذا برخی شرایط، توسط خداوند باید محقق شود و برخی دیگر به وسیله انسان‌ها باید فراهم آید. با تأمل در مباحث آینده، روشن می‌شود دو شرط ابتدایی، الهی بوده و از طرف خداوند موجود می‌شود و دو شرط دیگر، مربوط به انسان‌ها است که باید برای تحقق آنها تلاش کنند.

### رهبر

از شروط اصلی و اساسی برای یک قیام و انقلاب تأثیر گذار و سازنده، وجود رهبر و پیشوایی آگاه، توانمند و دلسوز است، تا با آشنایی کاملی که از برنامه و هدف و زمینه‌ها و موانع دارد، با مدیریتی صحیح و قاطع، حرکت و خیزش را به درستی هدایت کرده و به سرانجام مطلوب برساند.

آگاهی رهبر امور گوناگونی را در بر

می‌گیرد:

الف. باید اهداف و آرمان‌های انقلاب را به درستی بشناسد و بهترین برنامه و طرح را برای تحقق قیام و تثبیت آن بداند؛

ب. لازم است اطلاع کاملی از استعدادها و امکانات موجود داشته باشد و بداند چگونه آن‌ها را به کار گیرد؛

ج. باید از وضعیت جامعه، درک صحیحی داشته باشد، تا بداند بهترین زمان برای جنبش چه هنگامی است؛

د. باید بتواند با انتخاب بهترین برنامه، علاوه بر آن که توانمندی‌های موجود را به خدمت می‌گیرد، امکانات لازم را نیز فراهم آورد؛

ه. باید بتواند با تدوین طرحی مناسب، جامعه را برای ایجاد انقلاب آماده کند؛

و. باید بتواند در مواقع حساس، با قاطعیت تصمیم گرفته و به اجرا گذارد. طبیعی است که شک و تردید هنگام تصمیم‌گیری، آهنگ حرکت را کند یا متوقف می‌کند؛

ز. باید در میدان عمل، شجاع بوده و از انواع ترفندها و تقابلهای مخالفان نهراسد و استوار و مقاوم، نهضت را به پیش ببرد؛

ح. نباید به سبب وجود پیشامدهای ناگوار و مشکلات بر سر راه انقلاب، دلسرد و مأیوس شود؛

ط. باید انقلاب را برای مردم و نجات آنان بخواهد و برایشان حاضر به هر گونه فداکاری و گذشت باشد.

این ویژگی‌ها، از شرایط عمومی رهبر یک قیام است.

اگر قرار شد قیام و خیزش، حرکتی الهی و جهاد در راه خدا باشد، لازم است فرمانده جنبش و رهبر انقلاب، از سوی خداوند انتخاب شده (بدون واسطه و یا با واسطه) و مورد تأیید او باشد، تا عنوان قیامش، جهاد در راه خدا قلمداد شده، آنچه بر مردم از حوادث گوناگون مانند کشته شدن، جراحت و سایر آسیب‌ها واقع می‌شود، اجر و ثواب الهی را به همراه داشته باشد، علاوه بر آن شخص رهبر نیز مورد تأیید و امدادهای خاص الهی قرار گرفته و از الطاف و راهنمایی‌ها و الهامات ربّانی برخوردار شود.

بیان قرآن در بازگویی داستان بنی اسرائیل و درخواست آنان برای مبارزه، شاهد مناسبی برای این مطلب است. ابتدا آیات را

مرور می‌کنیم:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ  
مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ  
فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ  
الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا  
فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَ  
اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ \* وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ  
قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ  
الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ  
يُؤْتْ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ  
عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ  
يُؤْتِي مَلَكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾

آیا مشاهده نکردی جمعی از بنی اسرائیل را بعد از موسی که به پیامبر خود گفتند: «زمامدار [و فرماندهی] برای ما انتخاب کن، تا [زیر فرمان او] در راه خدا پیکار کنیم». پیامبر آن‌ها گفت: «شاید اگر دستور پیکار به شما داده شود، [سرپیچی کنید، و] در راه خدا، جهاد و پیکار نکنید.» گفتند: «چگونه ممکن است در راه خدا پیکار نکنیم؛ در حالی که از خانه‌ها و فرزندانمان رانده شده‌ایم، [و شهرهای ما به وسیله دشمن اشغال، و فرزندان ما اسیر شده‌اند]؟!» اما هنگامی که دستور پیکار

به آنها داده شد، جز عده کمی از آنان، همه سرپیچی کردند. و خداوند از ستمکاران، آگاه است.\* و پیامبرشان به آنها گفت: «خداوند، طالوت را برای زمامداری شما مبعوث [و انتخاب] کرده است.» گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته‌تریم و او ثروت زیادی ندارد؟!» گفت: «خدا او را بر شما برگزیده و او را در علم و [قدرت] جسم، وسعت بخشیده است. خداوند، ملکش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد و احسان خداوند، وسیع است و [از لیاقت افراد برای منصب‌ها] آگاه است.» (بقره: ۲۴۶-۲۴۷)

از این آیات شریف، نکات مهمی استفاده می‌شود از جمله:

الف. برای قیام و جهاد نیاز به رهبر است: ﴿إِذْ

قَالُوا لِنَبِيِّ لِهْمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾

ب. اگر قیام و مبارزه بخواهد عنوان جهاد

فی سبیل الله داشته باشد، باید رهبر آن آسمانی و مورد تأیید خداوند باشد. شاهد بر این مطلب، اولاً درخواست بنی‌اسرائیل از پیامبرشان برای انتخاب فرمانده است: ﴿إِذْ

قَالُوا لِنَبِيِّ لَّهُمْ» و ثانیاً کلام پیامبرشان است: «قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ» که استناد انتخاب فرماندهی را به خداوند داد.

ج. شرایط رهبر که پشتوانه الهی دارد:

«زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ»

قیام بزرگ نهایی و آخرین انقلاب که نجات کل بشریت را همراه داشته و آزادی و زیبایی را با اصلاحات بنیادین برای همه انسان‌ها به ارمغان خواهد آورد، نیز دارای این شرط است. بسیار روشن است که رهبر چنین قیامی، باید صفات و ویژگی‌ها را در حدّ کمال و تمام داشته باشد. رهبر این حرکت عظیم و جنبش بزرگ جهانی، مصلح کلّ و منجی عالم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است؛ شخصیتی که فرزند ولایت بوده و در دامان امامت پرورش یافته است. آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم بوده و به سرچشمه وحی متصل است. بر اساس فرمایش پیامبر در حدیث ثقلین، همراه و شریک قرآن بوده و به همه آموزه‌های قرآن و معارف دین، احاطه کامل دارد. میراث دار



قَالُوا لِنَبِيِّ لَّهُمْ» و ثانیاً کلام پیامبرشان است: «قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ» که استناد انتخاب فرماندهی را به خداوند داد.

ج. شرایط رهبر که پشتوانه الهی دارد:

﴿زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ﴾

قیام بزرگ نهایی و آخرین انقلاب که نجات کل بشریت را همراه داشته و آزادی و زیبایی را با اصلاحات بنیادین برای همه انسان‌ها به ارمغان خواهد آورد، نیز دارای این شرط است. بسیار روشن است که رهبر چنین قیامی، باید صفات و ویژگی‌ها را در حدّ کمال و تمام داشته باشد. رهبر این حرکت عظیم و جنبش بزرگ جهانی، مصلح کلّ و منجی عالم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریک است؛ شخصیتی که فرزند ولایت بوده و در دامان امامت پرورش یافته است. آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم بوده و به سرچشمه وحی متصل است. بر اساس فرمایش پیامبر در حدیث ثقلین، همراه و شریک قرآن بوده و به همه آموزه‌های قرآن و معارف دین، احاطه کامل دارد. میراث دار

علوم انبیای گذشته بوده و مورد تأیید الهی است. او نزدیک به هزار و دویست سال است که عمر پر برکت خویش را میان مردم گذرانده و ملت ها، دولت ها، حرکت ها و قیام های مختلف را به نظاره نشسته است.

پیامبر ﷺ فرمود:

المهدی من ولدی... یملاها (الارض) قسطاً  
و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً؛

مهدی فرزند من است... زمین را پر از عدل و داد کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده است. (کمال الدین، ج ۱، ب ۲۵، ح ۴)

در حدیث لوح آمده است:

ثُمَّ أَكْمِلُ ذَلِكَ بِابْنِهِ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ عَلَيْهِ  
كَمَالُ مُوسَى وَبِهَاءُ عِيسَى وَصَبْرُ أَيُّوبَ؛

سپس کامل می کنم سلسله اوصیاء را به وجود فرزندش که رحمت بر عالمیان است؛ کسی که کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب را دارا است». (همان، ج ۱، ب ۲۸، ح ۲)

همچنین امام باقر علیه السلام فرمود:

الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنُّصْرِ؛

قائم ما به ترس در دل دشمنان، یاری شده  
و به یاری حق، تایید شده است». (همان،  
ج ۱، ب ۳۲، ح ۱۶)

این شرط قیام، فراهم و آماده است؛ زیرا  
به اعتقاد شیعه، وجود مقدس امام مهدی علیه السلام  
فرزند امام حسن عسکری علیه السلام در سال ۲۵۵  
ه.ق به دنیا آمده است؛ بنابراین ما یک قدم به  
ظهور نزدیک شده‌ایم.

### طرح و برنامه

هر جنبش و خیزشی که برای درهم  
شکستن وضع موجود جامعه و برقراری وضع  
مطلوب، اعلام موجودیت می‌کند، به دو گونه  
طرح و برنامه نیاز دارد: ۱. بهترین شیوه برای  
نابودی ناپهنجاری و زشتی‌های موجود. ۲.  
قانونی مناسب و کامل برای حرکت رو به رشد  
جامعه و تحقق هنجارها و ارزش‌ها و رسیدن به  
وضعیت آرمانی. اگر اجرای هر یک از طرح و  
برنامه‌های فوق نیازمند مقدماتی باشد، باید  
فراهم آید. قیام جهانی حضرت بقیةالله  
الاعظم علیه السلام هم نیازمند چنین شرطی است.  
برنامه‌ای جامع و کامل برای مبارزه با سوداگران

پلیدی‌ها و زشتی‌ها؛ به گونه‌ای که به فتح همه سنگرهای ظلم و فساد و انهدام کامل آن‌ها بینجامد و در ورای آن، با قانون صحیح و جامع، بهترین روش زندگی برای مردم رقم بخورد و انسان‌ها با اجرای آن، از جامعه مطلوب در رفاه و امنیت برخوردار شوند. این شرط نیز در باره قیام حضرت مهدی (س) فراهم است. خداوند بزرگ و مهربان، با علم و حکمت و قدرت بی‌نهایت خود و با آشنایی کامل از حالات و واقعیات درون انسان، با توجه به ابعاد روحی، جسمی، فردی و اجتماعی او، برنامه‌ای جامع و مناسب تدوین کرده و تحت نام دین اسلام و کتاب قرآن، بر پیامبر خود نازل کرده است. این برنامه که با توجه به تمام ابعاد وجودی آدمی تهیه شد و در اختیار پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار گرفته بود، توسط حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام اجرا می‌شود.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

«سُنَّتُهُ سُنَّتِي يَقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَ  
يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ رَبِّي عَزَّوَجَلَّ؛ سیرت و  
سنت او سیرت و سنت من است. مردم را  
بر دین و آیین من به پا خواهد داشت و

آنان را به کتاب پروردگرم دعوت می‌کند.

(کمال‌الدین، ج ۲، ب ۳۹، ح ۶)

در تفسیر عیاشی ذیل آیه «و قاتلوا

المشرکین كافة» از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

تاویل این آیه هنوز نیامده است؛ وقتی

قائم ما قیام می‌کند، کسی که او را درک

می‌کند، تاویل آیه را می‌بیند، هر آینه دین

محمد صلی الله علیه و آله را به هر جا که شب برسد،

می‌رساند تا شرکی روی زمین نباشد.

(تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶، ح ۴۸)

بنابر این با تحقق دومین شرط، ما دو گام

به ظهور نزدیک شده‌ایم.

## یاران

یکی از شرایط مهم برای پیروزی و به ثمر

نشستن یک خیزش و انقلاب، وجود یاران و

فدائیان جان بر کف است. در باره جایگاه

یاران در تحقق انقلاب، لازم است به اختصار

به چند بحث اشاره شود.

## جایگاه یاران

یاران انقلاب، جایگاه خاصی در تحقق هر

انقلابی، به ویژه انقلاب‌های الهی دارند. اینک

جایگاه بلند یاران را در یک حرکت آسمانی، با

توجه به قرآن و روایات مرور می‌کنیم. حضرت موسی علیه السلام در همان ابتدای حرکت برای انجام رسالت، از خداوند تقاضای یاور کرد:

﴿وَاجْعَلْ لِي وِزِيرًا مِّنْ أَهْلِي هَارُونَ أَخِي  
اشدُّدْ بِهِ أَزْرِي﴾

و قرار بده برای من وزیری از خاندانم؛  
برادرم هارون را، پشتم را به او محکم  
کن. (طه: ۲۹-۳۲)

حضرت عیسی علیه السلام نیز برای پیشبرد دین و اهداف مقدس الهی خود که همان دعوت به سوی خدا و حرکت به سوی او بود، سخن از یار به میان آورد:

«مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْخَوَارِيُّونَ نَحْنُ  
أَنْصَارُ اللَّهِ اللَّهُ!»

کیست یاور من به سوی خدا [برای تعلیم و تبلیغ دین او] شود؟ خواریون گفتند: «ما یاوران خدائیم». (آل عمران: ۵۱)

توجه به یاوران و درخواست پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای یاری، گواه روشنی بر اهمیت این شرط می‌باشد. نبی گرامی صلی الله علیه و آله و سلم با آنکه خاتم انبیا و اشرف آفریدگان است، وقتی از جانب خداوند مأموریت یافت دعوت خود را علنی کرده و از انداز اقوام شروع کند، به حضرت

علی علیه السلام دستور داد غذایی آماده کند و سپس با اعلام رسالت خویش در جمع خویشان، چنین درخواست کرد: «ایکم یوازرنی علی هذا الامر؟ کدام یک از شما وزارت و پشتیبانی مرا در این امر می‌پذیرد؟» (تاریخ طبری، ج ۱، ص ۵۴۲).

نیز وقتی سخن از مهاجرت به مدینه شد، ابتدا در پیمان عقبه از گروهی از اهل یشرب که آنجا شرکت داشتند، عهد وفاداری و یاری گرفت.

به راستی چرا امام علی علیه السلام که در رشادت و شجاعت، هم‌اورد و هم‌تا نداشت، خانه نشین شد؟ بزرگ مردی که در جنگ احد، جبرئیل در شأن او چنین نغمه سرایی کرد:

لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی» (تاریخ

کامل ابن اثیر، ج ۲، ص ۱۰۷).

بزرگ پهلوانی که در جنگ خندق با کشتن جنگاوران شجاعی مانند عمرو بن عبدود و در جنگ خیبر با کشتن مرحب خیبری و فتح قلعه عظیم خیبر و پیروزی‌های فراوانی که برای مسلمانان به ارمغان آورد، خانه نشین شد؟ مگر داستان صلح امام

حسن علیه السلام را که به دلیل جدایی یاوران از او و تنها گذاشتن وی، بر آن بزرگوار تحمیل شد، می‌توان فراموش کرد؟ چقدر عبرت آموز است سخن بزرگ بانوی جهان اسلام، حضرت زینب کبری علیها السلام که در شب عاشورا به برادرش عرض کرد: «حسین جان! آیا یاران را آزموده‌ای که فردا تو را تنها نگذارند؟»

### صفات یاران

یاران واقعی رهبر و انقلاب، دارای صفات و ویژگی‌های مهمی هستند؛ از جمله:

الف. از امام و رهبر خود، آگاهی لازم را داشته باشند و به او معتقد بوده و ولایت او را با همه وجود بپذیرند. با برنامه‌ها و اهداف قیام، آشنا بوده و به آنها اعتقاد داشته باشند.

ب. برای فعلیت بخشیدن به خواست و اراده رهبر و اجرایی کردن برنامه‌ها، آماده هرگونه تلاش و جانفشانی بوده و با تمام وجود به یاری رهبرشان همت گمارند و در این راه، از هیچ کوششی دریغ نورزند.

ج. آنان نیز همچون رهبر، باید انقلاب را برای نجات و آزادی مردم بخواهند، نه کسب



موقعیت و ثروت. مردم را دوست داشته باشند و آسایش آنان را بر راحتی خود مقدم بدانند.

### یاران مهدی در یک نگاه

با توجه به روایات، می‌توان ویژگی‌ها و صفات یاران را چنین برشمرد:

#### ۱. معرفت عمیق به خدا و امام خویش

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«در قلوب آنان (یاران مهدی عج) شکی

به ذات خدا نیست». (بحارالانوار، ج ۵۲،

ص ۳۰۷، ح ۸۲)

چنان به خداوند معرفت دارند که ذره‌ای

تردید و شک در آنان راه ندارد.

در روایتی از امام سجاد علیه السلام در باره با

صفات منتظران زمان غیبت نقل شده است:

«آنان کسانی هستند که به امامت آن

بزرگوار اعتقاد دارند». (کمال‌الدین، ج ۱،

ب ۳۱، ح ۲)

این اعتقاد، برخاسته از عقل و درک است.

حضرت، در ادامه می‌فرماید:

خداوند متعال، عقل و فهم و معرفتی به

آنان داده است که غیبت نزد آنان، به منزله

مشاهده است.

## ۲. اطاعت کامل

نتیجه معرفت صحیح، اطاعت همه جانبه از امام است. از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

«اطاعت آنان از امام، از فرمان برداری کنیز در برابر مولایش بیشتر است». (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲)

## ۳. عبادت و صلابت

آنان که از پیشوای خود الگو گرفته‌اند، روزها و شبها را با یاد شیرین حق و مناجات با او سپری می‌کنند. امام صادق علیه السلام درباره آنان فرمود:

«شبها را با عبادت به صبح می‌رسانند و روزها را با روزه به پایان می‌برند». (یوم الخلاص، ص ۲۲۴)

و این یاد حق، در همه حالات آنان تجلی دارد.

همین ذکر دایمی و همیشگی خدا است که از آنان، مردانی آهنین می‌سازد که هیچ چیز صلابت و استواری آنان را درهم نمی‌شکند. امام صادق علیه السلام فرمود:

«آنان، مردانی هستند که گویا دل‌هایشان  
پاره‌های آهن است». (بحارالانوار، ج ۵۲،  
ص ۳۰۷، ح ۸۲)

#### ۴. جان نثاری و شهادت طلبی

معرفت عمیق به خدا و امام، نگاه آنان را  
به زندگی و حقیقت انسانیت، تنظیم می‌کند و  
شناخت صحیحی از هدف زندگی و وظیفه  
یک انسان به آنان می‌دهد. آنان در می‌یابند  
که برای کسب کمال، زندگی می‌کنند و می-  
فهمند که راه تحصیل کمال، آن است که  
همه وجودشان برای خدا و دین خدا باشد؛ از  
این رو حاضر به هر نوع فداکاری و ایثارند.  
امام صادق علیه السلام فرمود:

[یاران مهدی علیه السلام] در میدان رزم، گرد او  
می‌گردند و با جان خود، از او محافظت  
می‌کنند. (بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷، ح ۸۲)

آنان که خدا و امام را شناختند، نهایت  
آرزویشان، شهادت در راه خدا و در رکاب امام  
است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«آنان آرزو می‌کنند در راه خدا به شهادت  
برسند». (همان)

### ۵. شجاعت و دلیری

یاران مهدی علیه السلام مانند مولایشان، افرادی شجاع و مردانی پولادین هستند که از هیچ چیز جز خدا هراس ندارند. امام علی علیه السلام در وصف آنان فرمود:

«همه آنان، شیرانی هستند که از پیشه بیرون شده‌اند و اگر اراده کنند، کوه‌ها را از جا می‌کنند». (یوم‌الخلاص، ص ۲۲۴)

### ۶. صبر و بردباری

مبارزه برضد ظلم جهانی و تلاش برای برقراری عدالت، با رنج و مشقت‌های فراوان همراه است. یاوران امام، در راه تحقق آرمان‌های جهانی امام مهدی علیه السلام همه ناگواری‌ها را به جان می‌خرند؛ ولی از سر اخلاص و تواضع، عمل خود را ناچیز می‌شمارند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

آنان، گروهی هستند که به سبب صبر و بردباری در راه خدا، بر خداوند منت نمی‌گذارند و از این که جان خویش را تقدیم حضرت حق می‌کنند، به خود نمی‌بالند و آن را بزرگ نمی‌شمارند.

(یوم‌الخلاص، ص ۲۲۴)

## ۷. اتحاد و همدلی

آنان، خودخواهی‌ها و خواسته‌های شخصی را از خود دور کرده‌اند. همه چیز را برای هدف واحد می‌خواهند و زیر یک پرچم به قیام می‌پردازند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«ایشان، یکدل و هماهنگ هستند.»

(یوم‌الخلاص، ص ۲۲۳)

## ۸. زهد و پارسایی

امام علی علیه السلام در وصف یاران مهدی علیه السلام

فرموده است:

«او، از یارانش بیعت می‌گیرد که طلا و

نقره‌ای نیندوزند و گندم و جوی ذخیره

نکنند. (منتخب‌الاثار، فصل ۶، ب ۱۱، ح ۴)

آنان، اهداف بلندی دارند و برای آرمانی

بزرگ برخاسته‌اند؛ لذا مادیات و دنیا نباید

آنان را از هدف باز دارد؛ بنابراین کسانی که با

دیدن زرق و برق دنیا، چشم‌هایشان خیره

شده و دل‌هایشان می‌لرزد، میان یاوران امام،

جایی ندارند. البته نباید فراموش کرد که این

حالات و ویژگی‌ها، یک‌باره در انسان متجلی

نمی‌شود و آدمی، به آن‌ها متّصف نمی‌شود؛

بلکه باید سال‌ها برای تحصیل آن‌ها تلاش

کند؛ از این رو، یاران مهدی علیه السلام در دوران غیبت، به سازندگی مشغول می‌شوند.

یاور مهدی علیه السلام در همه حال پیرو امام خود است و اطاعت از او را، سر لوحه زندگی خود قرار می‌دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَ هُوَ مُقْتَدِرٌ  
بِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ يَأْتُمُّ بِهِ؛

خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند، در حالی که پیش از قیامش، به او اقتدا کرده و از او پیروی نماید».

(بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹)

روشن است که بدون یار و یاور نباید منتظر حرکت و اقدامی بود، هر چند برنامه و رهبر آماده باشد.<sup>۱</sup>

### معرفت لازم

در ادامه بحث، لازم است با توجه به روایات، به نکته مهمی اشاره کنیم.

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به آن حضرت عرض کرد: «فدایت شوم، به خدا

۱. برای آگاهی بیشتر رک: نصرت الله آیتی، فصل نامه انتظار موعود، ش ۳، سال ۱۳۸۱.

قسم! من، شما و هر کس دوستدار شما است را دوست دارم. ای سرورم! چقدر شیعه شما زیاد است» امام فرمود: «آنان چه مقدارند؟» گفتم: «بسیار زیاد». امام فرمود: «می‌توانی آنان را بشماری؟» گفتم: «تعدادشان بیشتر از اینها است». امام فرمود:

أَمَا لَوْ كَمَلْتَ الْعِدَّةَ الْمَوْصُوفَةَ ثَلَاثُمِائَةً وَبَضْعَةَ  
عَشْرَ كَانَ الَّذِي تُرِيدُونَ؛

آگاه باش هرگاه آن عدّه وصف شده که سیصد و ده نفر و اندی هستند، شمارشان کامل شود، آنچه شما می‌خواهید، خواهد شد. (غیبت نعمانی، باب ۱۲، ح ۴)

امام، در ادامه روایت به بیان صفات شیعه می‌پردازد.

سدیر صیرفی می‌گوید: بر امام صادق علیه السلام داخل شدم و گفتم: «به خدا سوگند! اکنون زمان نشستن شما نیست [بلکه باید قیام کنید]». امام فرمود: «چرا ای سدیر؟» گفتم: «به سبب فراوانی دوستداران، پیروان و یاوران شما. به خدا سوگند! اگر امیرالمؤمنین علیه السلام به اندازه شما پیرو و یاور و دوستدار داشت، هرگز تیم [طایفه ابوبکر] و عدی [طایفه

عمر] در [خلافت] او طمع نمی‌کردند.<sup>۱</sup> امام فرمود: «چقدر هستند؟» سدید پاسخ داد: «صد هزار نفر». امام فرمود: «صد هزار؟» سدید عرض کرد: «بله و بلکه دویست هزار». امام فرمود: «دویست هزار؟» سدید عرض کرد: «بله و نصف دنیا». امام سکوت کرد و از من خواست با او به خارج مدینه رفتیم. به جوانی چوپان نگاه کرد و فرمود: به خدا قسم اگر برای من، شیعیانی به تعداد این بزغاله‌ها بود، مجال نشستن نداشتم [بلکه قیام می‌کردم]. سدید می‌گوید: «آنها را شمردم؛ هفده عدد شد. (اصول کافی، ج ۲، ص ۲۴۲، ح ۴) یاوران واقعی امام، انسان‌های وارسته‌ای هستند که عقاید استوار داشته و سرپرستی امام معصوم علیه السلام را ناشی از ولایت خدا بر موجودات می‌دانند و چیزی را بر امر امام خود مقدم نمی‌دانند. سعادت را در گرو رضای او یافته‌اند. از خود در برابر اراده معصوم علیه السلام تدبیری ارائه نمی‌دهند و در کار او چون و چرا

۱. هر دو طایفه از قبیله قریش هستند (قریش قبیله بزرگی بود که از طوایف متعددی تشکیل شده بود).



نمی‌کنند. سهل بن حسن خراسانی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «چه چیز شما را واداشته تا آن که از حق مسلم خویش [حکومت] باز بنشینید؟ در حالی که صد هزار شیعه پا در رکاب و شمشیرزن در اختیار شما است؟» امام صادق علیه السلام دستور داد تنور آتش را روشن کنند. وقتی شعله آتش برافروخته شد، حضرت به او دستور داد وارد تنور شود. او که گمان کرده بود امام علیه السلام از سخنانش غضبناک شده و قصد مجازاتش را دارد، عرض می‌کند: «آقا! مرا ببخشید و به آتش عذابم نکنید». در همین وقت، هارون مکی در حالی که کفش‌هایش را به دست گرفته بود؛ وارد می‌شود و خدمت امام خویش سلام عرض می‌کند. حضرت بدون هیچ مقدمه‌ای به او می‌فرماید: «کفش‌هایت را بگذار و درون تنور بنشین». هارون مکی نیز بدون هیچ‌گونه درنگ و پرسشی، این کار را انجام می‌دهد. امام علیه السلام در این حال به گفت‌ووشنود خود با مرد خراسانی ادامه می‌دهد و مطالبی را درباره خراسان به او می‌فرماید که گویی از نزدیک

در جریان آن‌ها بوده است. پس از آن، رو به سهل بن حسن خراسانی کرده و می‌فرماید: «برخیز و داخل تنور را بنگر». او می‌گوید: «هنگامی که به درون آتش در حال زبانه کشیدن نگاه کردم، هارون را در حالی دیدم که چهار زانو نشسته بود». در این وقت امام صادق علیه السلام از مرد خراسانی می‌پرسد: «در خراسان، چه تعداد مثل این شخص می‌شناسی؟» سهل در پاسخ می‌گوید: «به خدا قسم! یک نفر هم این‌گونه نداریم». حضرت فرمود: «آگاه باش! ما زمانی که پنج تن یاور و کمک‌کار پیدا نکنیم، قیام نمی‌کنیم. ما آگاه‌تریم که وقت قیام چه زمان است. (بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۱۲۳ - ۱۲۴) طبق این روایت، افرادی، لایق و شایسته یاری امام هستند که به دستور امام همانند دستور خدا توجه کرده و اطاعت از آن را به نصّ قرآن واجب می‌دانند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنكُمْ» (نساء: ۵۹).

آنان پیش از آن که دشواری امر مولایشان در نظرشان جلوه کند، مقام قدسی و بلند او،

نظرشان را جلب می‌کند و هرگز به زمین ماندن فرمان مولای خویش راضی نمی‌شوند. با نگاهی گذرا به تاریخ، به خوبی می‌توان نقش و جایگاه یاوران را در حرکات‌ها و خیزش‌ها دریافت. به راستی چرا غیبت به وجود آمد؟ اگر مردم دست از یاری اهل بیت بر نمی‌داشتند و آنان را تنها نمی‌گذاشتند، آیا از فیض ظهور امام بی‌بهره می‌ماندیم؟

مناسب است با توجه به روایت‌ها، به این نکته اشاره کنیم که همان‌گونه که عدم همراهی، باعث خانه نشینی شده و غیبت ساز بود، همراهی و یآوری نیز، ظهور آفرین خواهد شد. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه نیز برای قیام خود، یاور می‌خواهد. همراهانی فداکار و جان بر کف، درد آشنا و ایثارگر. یاورانی که تاب تحمل سختی‌ها و شداید را دارند و تحت هیچ شرایطی، امام خود را تنها نمی‌گذارند.

### مراحل یاری

یاران، در سه مرحله فعالیت کرده و به وظیفه یآوری امام و رهبر خود اهتمام می‌ورزند:

۱. پیش از قیام: در این مرحله، یاران با حضور میان مردم و تبلیغات مناسب، آنان را از وضعیت نامطلوب موجود آگاه کرده و با معرفی امام از یک سو و زیبایی‌های دوران انقلاب از سوی دیگر، آنان را برای پذیرش رهبر و خیزش در راستای اهداف او آماده می‌کنند.
۲. هنگام قیام: یاران با حضور فعال در جریان قیام، سعی می‌کنند حرکت مردم را کنترل کرده و با جهت‌دهی مناسب، آن را هماهنگ با اهداف انقلاب پیش ببرند.
۳. پس از قیام: آنان با تلاشی خستگی‌ناپذیر، برای تحقق اهداف انقلاب فعالیت می‌کنند.

### تعداد یاران

زمانی که یاوران آماده بودند و خداوند اذن داد، ظهور، صورت می‌پذیرد. امام جواد علیه السلام ضمن حدیثی فرمود:

اجتمع إليه من أصحابه عِدَّةُ اهلِ بدرِ ثلاثِمائةٍ  
و ثلاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ اَقاصِي الارضِ و  
ذَلِكَ قَوْلُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ «اِنَّ ما تَكُونُوا ياتِ  
بِكُمْ اللهُ جَمِيعاً اِنْ اللهُ على كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ  
أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ فَإِذَا كَمُلَ لَهُ الْعَقْدُ وَهُوَ عَشْرَةٌ  
آلَافَ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛

به سوی او اجتماع می‌کنند به تعداد اهل  
بدر، ۳۱۳ نفر از اطراف زمین و این، معنای  
قول خدا است که «هرکجا باشید، خدا شما  
را می‌آورد، همگی را؛ به درستی که خدا  
بر هرکاری قدرت دارد». هنگامی که برای  
او این عده از اهل اخلاص جمع شد، خدا  
امر او را ظاهر می‌کند؛ زمانی که برای او  
عقد کامل شد و آن، گروه ده هزار نفری  
است، به اذن خدا خروج می‌کند. (کمال‌الدین  
وتمام‌النعمه، ج ۲، ب ۳۷، ح ۲)

از این روایت می‌توان استفاده کرد یاران  
حضرت را سه گروه تشکیل می‌دهند:

۱. یاوران ویژه که ۳۱۳ نفرند و با اجتماع  
آنان، ظهور به اذن خدا واقع می‌شود.
۲. یاورانی که حدود ده هزار نفرند و با  
اجتماع آنان، قیام و خروج به اذن خدا صورت  
می‌گیرد.

۳. یاورانی که در طول قیام، به صفوف  
سربازان حضرت ملحق می‌شوند.

این شرط، از شرایطی است که توسط  
انسان‌ها باید محقق شود. اکنون جای این

سؤال است که آیا یاوران حضرت فراهم شده-  
اند؟ آیا گروهی از انسان‌ها با ایجاد ویژگی‌ها و  
صفات یاران در جان خویش، خود را برای  
یاری و همراهی امام آماده کرده‌اند؟

### آمادگی و پذیرش مردمی

یکی دیگر از شرایط بسیار مهم برای تحقق  
و پیروزی یک قیام و انقلاب، پذیرش مردمی  
است. باید مردم آن را بخواهند و بپذیرند و در  
غیر این صورت، اگر بهترین برنامه را برگزیده و  
شخص منتخب خداوند با یارانی بی‌نظیر و از  
جان گذشته بخواهند در جامعه پیاده کنند، ولی  
مردم آن را پذیرا نباشند، قطعاً به انجام نخواهد  
رسید. فاجعه خونبار کربلا، شهادی بر این مدعا  
است. رهبر قیام، سید و سالار جوانان بهشت  
امام حسین علیه السلام بود و برنامه او، مبتنی بر وحی و  
قرآن و سیره پیامبر گرامی اسلام پایه‌ریزی شده  
بود. یارانی همچون ابوالفضل العباس و حبیب  
بن مظاهر بر گرد او جمع شده بودند؛ ولی چون  
مردم آن را نپذیرفتند به پیروزی ظاهری و  
تشکیل حکومت در جامعه منتهی نشد (هر  
چند وظیفه الهی امام حسین علیه السلام حرکت و قیام

بود و به برکت آن فداکاری، حقیقت دین اسلام میان مردم باقی ماند و نابود نشد.

جایگاه بلند این شرط و اهمیت آن، بدان جهت است که خداوند انسان‌ها را آزاد آفرید و به آنان حق انتخاب داد و ایشان را بر سرنوشتشان مسلط و حاکم کرد، تا سرنوشت خویش را آن گونه که می‌خواهند، رقم زنند و هر حرکت و چرخشی را که بخواهند، در مسیر زندگی خود ایجاد کنند:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا

بِأَنفُسِهِمْ﴾

به درستی که خداوند سرنوشت هیچ قوم [و ملتی] را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند.

(رعد: ۱۱)

این تغییر و دگرگونی، می‌تواند به تباهی و هلاکت منتهی شود؛ همانند قوم ثمود. وقتی عده‌ای تصمیم به پی کردن شتر حضرت صالح عليه السلام گرفتند و شتر را کشتند، قوم نیز این کار را پسندید و با این عمل جهت‌گیری خود را مشخص کرد. اینان با این چرخش اجتماعی خود، انتخاب شومی انجام دادند و

سرنوشت بدی را که عذاب الهی بود، برای خود رقم زدند.

نیز این دگرگونی می‌تواند به سعادت و نیک بختی بیانجامد و عاقبت خوشی را به ارمغان آورد؛ همانند قوم یونس علیه السلام. هرچند آنان در ابتدا با آن حضرت مخالفت کردند و دست رد به سینه وی زده و پیامبریش را انکار کردند و بدین سبب، عذاب الهی را برای خود خریدند ولی چون خود را در محاصره عذاب الهی دیدند؛ دست به توبه برداشتند و واقعاً با همه وجود به خدا رجوع کردند و با این انتخاب صحیح عذاب را از خود دور نموده و رحمت الهی را شامل حال خود کردند.

به بیان دیگر، در جهان هستی، قوانین پایدار و سنت‌های الهی حاکم است. با رجوع به قرآن به روشنی دیده می‌شود این سنت‌ها در جوامع انسانی با چگونگی اختیار و انتخاب انسان، عجین و همراه است. برای مثال، یکی از سنت‌های الهی، کمک و یاری به انسان‌ها است. خداوند، این امداد رسانی و نصرت را به تلاش افراد و ایجاد زمینه مشروط کرده است:



﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ  
يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر [آیین]  
خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و  
گام‌هایتان را استوار می‌دارد». (محمد: ۷)  
از دیگر سنت‌های الهی، پاداش برابر میزان  
کار و فعالیت آدمی است. آیات متعددی به  
این سنت الهی اشاره دارند؛ از جمله:

﴿وَ أَن لِّسَ لِلإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾؛

و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و  
کوشش او نیست». (نجم: ۳۹)

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى ءَامَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَّحْنَا  
عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن  
كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾؛

و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان  
می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات  
آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛

ولی [آنها حق را] تکذیب کردند، ما هم  
آنان را به کفر اعمالشان مجازات کردیم».

(اعراف: ۹)

اگر حکومت اسلامی پیامبر گرامی ﷺ در  
مدینه ایجاد شد، از آن جهت بود که مردم  
یثرب آن را خواستند و روزها انتظار مقدم  
مبارک پیامبر را کشیدند، تا آن یگانه دوران و

رحمت واسعه الهی، شهر مدینه را به نور خود روشن کرد و حاکمیت الهی را اعلام نمود.

اگر عطر عدالت حکومت علوی در فضای جامعه اسلامی، جانهای آدمیان را سرمست بوی خوش خود کرد بدان سبب بود که مردم، امام علی (ع) را بر دیگران ترجیح دادند و ولایت و حاکمیت او را به جان خریدند و پس از قتل عثمان، به گرد خانه او اجتماع کردند و رهبری او را خواستار شدند.

و اگر ما نیز به دنبال تحقق حکومت مهدوی هستیم، تا در پناه آن، به بالاترین درجات رشد و کمال دست یابیم، باید او را بر دیگران ترجیح دهیم و با تمام وجود برای استقرار حکومتش تلاش کنیم. آری؛ باید خود بخواهیم. این کلام گلایه مانند آن عزیزی است که غربت و تنهایی و مشکلات مردم، سینه او را تنگ کرده و هر لحظه، منتظر خواست و دعوت مردم است:

«وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ عَلَيَّ  
اجْتِمَاعِ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ  
عَنْهُمْ الْيَمَنُ بِلِقَائِنَا؛ اگر شیعیان ما، که  
خداوند توفیق طاعتشان دهد، در راه

ایفای پیمانی که بر عهده دارند، همدل  
 شوند، میمنت ملاقات ما به تأخیر  
 نمی‌افتد [و سعادت دیدار ما زودتر نصیب  
 آنان می‌شد]». (احتجاج، ج ۲، ص ۶۰۰،  
 ش ۳۶۰)

آری، سنت الهی بر این قرار گرفته است  
 که تا مردم نخواهند و حرکت نکنند و آماده  
 مبارزه با ظلم و پذیرش دولت حق نباشند،  
 خدا نیز آن را نخواهد داد.

خداوند، در قرآن در باره وقایع قوم بنی  
 اسرائیل در سوره مائده، آیات ۲۱ تا ۲۶ نیز به  
 این مطلب اشاره دارد. حضرت موسی علیه السلام به  
 قومش گفت: «به این ارض مقدس داخل  
 شوید»؛ ولی آنان گفتند: «ما حرکت  
 نمی‌کنیم». تو و خدایت بروید و بجنگید و ما  
 همین جا می‌مانیم و فقط نظاره‌گر خواهیم  
 بود». حضرت شکایت آن‌ها را نزد خدا برد.  
 خداوند نیز پاسخ داد: «پس به درستی که آن  
 [سرزمین مقدس] ممنوع است بر آنان تا چهل  
 سال، پیوسته در زمین سرگردان خواهند بود».  
 پس بر همه دوستداران و ارادتمندان است  
 تا با تلاش و کوشش و برنامه ریزی مناسب،

ایفای پیمانی که بر عهده دارند، همدل  
 شوند، میمنت ملاقات ما به تأخیر  
 نمی‌افتد [و سعادت دیدار ما زودتر نصیب  
 آنان می‌شد]». (احتجاج، ج ۲، ص ۶۰۰،  
 ش ۳۶۰)

آری، سنت الهی بر این قرار گرفته است  
 که تا مردم نخواهند و حرکت نکنند و آماده  
 مبارزه با ظلم و پذیرش دولت حق نباشند،  
 خدا نیز آن را نخواهد داد.

خداوند، در قرآن در باره وقایع قوم بنی  
 اسرائیل در سوره مائده، آیات ۲۱ تا ۲۶ نیز به  
 این مطلب اشاره دارد. حضرت موسی علیه السلام به  
 قومش گفت: «به این ارض مقدس داخل  
 شوید»؛ ولی آنان گفتند: «ما حرکت  
 نمی‌کنیم». تو و خدایت بروید و بجنگید و ما  
 همین جا می‌مانیم و فقط نظاره‌گر خواهیم  
 بود». حضرت شکایت آن‌ها را نزد خدا برد.  
 خداوند نیز پاسخ داد: «پس به درستی که آن  
 [سرزمین مقدس] ممنوع است بر آنان تا چهل  
 سال، پیوسته در زمین سرگردان خواهند بود».  
 پس بر همه دوستداران و ارادتمندان است  
 تا با تلاش و کوشش و برنامه ریزی مناسب،

آمادگی برای ظهور آن بزرگ منجی را ایجاد کنند.

در پایان لازم است به این نکته اشاره شود که پذیرش مردمی، زمانی قابل اعتماد بوده و رهبر، می‌تواند به آن تکیه کند که اعلام آمادگی مردم، واقعی و بر اساس نیاز و معرفت باشد، نه از روی احساسات. به عبارت دیگر، مردم باید به اندازه‌ای از رشد و آگاهی برسند که درک کنند ایده‌ها و ایسم‌های بشری و ساخته اندیشه و فکر محدود انسان‌ها، و حکومت‌هایی که بر پایه این ایدئولوژی‌ها به وجود می‌آیند نمی‌توانند بشر را از این گرداب تباهی نجات دهند؛ بلکه تنها در سایه حکومت و حاکمیت مرد آسمانی و پیشوای عادل الهی، انسان‌ها می‌توانند طعم زندگی خوب انسانی را به دست آورند.

البته برای تحقق یک انقلاب در جامعه، راه دیگری نیز وجود دارد و آن این که به قدری ظلم و ستم و فساد و تباهی در جامعه گسترش یابد که مردم به ستوه آمده و دیگر تاب تحمل وضعیت موجود را نداشته باشند. در این صورت نیز جامعه، آماده دگرگونی و

تغییر است. برخی بر این باورند که آمادگی مردم برای ظهور منجی آخرین، در این بستر رقم می‌خورد؛ یعنی باید آن قدر ظلم و تباهی فراوان شود که دیگر مردم خسته شده و واقعا خواستار ظهور باشند.

خلاصه سخن: با توجه به چهار شرط ذکر شده، روشن می‌شود که دو شرط آن، مهیا و فراهم است و آن همان وجود برنامه و امام است و دو شرط دیگر، باید آماده شود که وجود یاران و آمادگی عمومی است. این دو شرط، به تلاش و حرکت مردم و شیعیان وابسته است.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ  
تُعِزُّهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النُّفَاقَ وَ  
أَهْلَهُ. (مفاتیح الجنان، دعای افتتاح)

### پرسش و پاسخ

در پایان، مناسب است به برخی پرسش‌هایی که در این زمینه مطرح است، پاسخ دهیم.

۱. با توجه به شرایط کنونی جهان، آیا زمینه‌ها و شرایط برای ظهور امام مهدی عج مهیا است؟

بیان شد که برای تحقق امر فرج حضرت ولی عصر علیه السلام باید حدّ اقل چهار شرط فراهم باشد، تا خداوند اذن ظهور را صادر فرماید. دو شرط از شروط چهارگانه، تحقق یافته است.

۱. دین مقدس اسلام که در بر دارنده طرح و برنامه حرکتی امام زمان علیه السلام است، بر وجود مقدس پیامبر اعظم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شد.

۲. وجود مقدس امام مهدی علیه السلام که رهبر قیام بزرگ جهانی است، در سال ۲۵۵ ه. ق به دنیا آمده است.

اما تشخیص این که آیا سایر شرایط فراهم شده است و جهان، آماده پذیرش و ظهور حضرت هست یا نه، امری مشکل و به بیان دقیق تر، دور از دسترس علم بشری است. حقیقتاً، نمی دانیم جمع یاران امام زمان علیه السلام کامل شده است یا نه؟ ما در شرایط کنونی جهان، امیدوار به ظهور و نجات مظلومان هستیم؛ ولی نمی دانیم آیا مردم، به راستی، آمادگی پذیرش حضرت و عدل فراگیر او را دارند و در راه اعتلای دین و برقراری احکام نورانی آن، حاضر به همکاری و فداکاری

مستند یا نه؟ به نظر می‌آید اظهار نظر قطعی در این زمینه، صحیح نباشد.

گفتنی است آنچه برای ما بسیار مهم و کاربردی است، شناخت وظیفه و حرکت صحیح در جاده انتظار است. ما باید کردار خود را اصلاح کنیم و در وفای به عهدی که با خدا بسته‌ایم، ثابت قدم باشیم. حضرت در نامه خود به شیخ مفید نوشته است:

اگر شیعیان ما، در اجتماع به وفای عهد خود پایدار باشند، ظهور، به تأخیر نمی‌افتد. (همان)

نیز برای ظهورش، دعای فراوان کنیم؛ چرا که خود حضرت فرمود: «فاکثروا الدعا بتعجیل الفرج؛ برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید».

۲. دنیا و مردم، چه شرایطی باید داشته باشند، تا امام زمان علیه السلام ظهور کند؟

شاید در یک جمله بتوان گفت که مردم باید با همه وجود، خواستار و پذیرای منجی باشند. توضیح آن که:

الف. مردم باید بفهمند که برپایی عدالت واقعی و امنیت برای همگان و ایجاد سعادت برای جامعه انسانی و نجات بشریت از تباهی،



مستند یا نه؟ به نظر می‌آید اظهار نظر قطعی در این زمینه، صحیح نباشد.

گفتنی است آنچه برای ما بسیار مهم و کاربردی است، شناخت وظیفه و حرکت صحیح در جاده انتظار است. ما باید کردار خود را اصلاح کنیم و در وفای به عهدی که با خدا بسته‌ایم، ثابت قدم باشیم. حضرت در نامه خود به شیخ مفید نوشته است:

اگر شیعیان ما، در اجتماع به وفای عهد خود پایدار باشند، ظهور، به تأخیر نمی‌افتد. (همان)

نیز برای ظهورش، دعای فراوان کنیم؛ چرا که خود حضرت فرمود: «فاکثروا الدعا بتعجيل الفرج؛ برای تعجیل فرج، بسیار دعا کنید».

۲. دنیا و مردم، چه شرایطی باید داشته باشند، تا امام زمان عجل الله فرجه ظهور کند؟

شاید در یک جمله بتوان گفت که مردم باید با همه وجود، خواستار و پذیرای منجی باشند. توضیح آن که:

الف. مردم باید بفهمند که برپایی عدالت واقعی و امنیت برای همگان و ایجاد سعادت برای جامعه انسانی و نجات بشریت از تباهی،

از عهده مکاتب و ایسم‌های بشری و حکومت‌های غیر الهی خارج است و فقط در سایه دین و رهبری آسمانی، می‌توان صبح روشنی را برای بشریت به انتظار نشست.

ب. علاوه بر معرفت، مردم واقعاً باید خواستار عدالت باشند و برای برپایی عدالت، تلاش و کوشش کنند. آنان باید بدانند خداوند سرنوشت انسان‌ها را به نوع اختیارشان مرتبط کرده و فرموده است:

«ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم»؛ به درستی که خداوند، آنچه را برای قومی است تغییر نمی‌دهد مگر آن که آنان آنچه در خودشان است را تغییر دهند» (رعد: ۱۱)

در ابتدای سوره مائده، آیات ۲۶-۲۰ به یکی از حوادث مربوط به قوم بنی‌اسرائیل در این باره اشاره می‌کند. وقتی حضرت موسی علیه السلام به بیان نعمات الهی پرداخت و به آنان فرمود: «خداوند ارض مقدس را برای شما نوشته است. بجنگید که به پیروزی می‌رسید». قوم او حاضر به تلاش و جنگ نشدند. حضرت موسی علیه السلام هم دعا کرد که: «خدایا! میان من و برادرم، با قوم

فاسق، جدایی بینداز.». خداوند هم فرمود: «چهل سال سکونت در این شهر برای آنان حرام شد.»

بنابراین، مردم دنیا باید خواستار واقعی حضرت و عدالت گستری او باشند و حق و عدالت و بهره‌وری از منافع و مواهب دنیا را برای همه بخواهند و در راه مبارزه با ظلم و پیاده کردن عدالت، تا آخر بایستند. در این صورت است که امام زمان علیه السلام ظهور می کند.

۳. آیا امام زمان علیه السلام آمدنی است یا

آوردنی؟

پاسخ به این پرسش که تقدیر مهدوی و رهایی بشر از بن بست جهانی، آیا خارج از اختیار آدمی قرار دارد، یا آن که در حیطه اراده و جامعه انسانی است، منوط به پرسش از اراده انسانی و نقش آن در سرنوشت فردی و اجتماعی او است؛ به این معنا که آیا انسان در تعیین سرنوشت خود، دارای اختیار و آزادی است، یا نمی تواند دخالتی در آن داشته باشد؟ آنچه از متن دین درباره اختیار و اراده آدمی به دست می آید، این است که انسان، بی شک، در زندگی فردی و اجتماعی خود،

اختیار دارد. خداوند می‌فرماید:

«ان الله لا یغیر بقوم حتی یغیروا ما  
بأنفسهم»؛

خداوند، سرنوشت قومی را تغییر  
نمی‌دهد، مگر آن که آنان، آنچه را در  
خودشان است، تغییر دهند.» (رعد: ۱۱)

اراده الهی، با خواست انسان همراه است.  
البته شکی نیست که در فرایند رفتاری انسان،  
علم و آگاهی خود انسان به خوبی یا بدی  
عمل، همین طور اختیارات دیگر انسان‌ها در  
جامعه، و همین طور مسایل خانوادگی و نوع  
تربیتی که در گذشته انسان، در باره او اعمال  
شده است، همه و همه، در نوع گزینش آدمی  
اثرگذار است؛ ولی در نهایت، این انسان است  
که پس از بررسی‌های اجمالی یا تفصیلی، و  
مطالعات ذهنی یا فطری و بالاخره با توجهی  
آگاهانه یا ناخودآگاهانه، در نهایت امر، دست  
به گزینش می‌زند و چیزی را انتخاب می‌کند.  
حال که تا حدی معلوم شد نقش اراده  
انسانی در زندگی فردی یا جمعی او چیست،  
پاسخ به این پرسش نیز آسان خواهد بود که  
«آیا مهدویت را باید عینیت بخشید، یا باید

سر اضطرار و آمادگی، در جست‌وجوی آن مهدی موعود برآمدند، آن گاه خدای متعال، براساس حکمت و مصلحت، اراده می‌فرماید و مسأله ظهور را رخصت می‌دهد.

البته، شکی نیست که زمینه اذن ظهور از سوی خدای متعال، در اختیار انسان‌ها است؛ ولی اصل اذن الهی، از اختیار آدمی بیرون است و باید دعا و ندبه کرد، تا خدای متعال امر به ظهور را صادر کند. بر اساس سنت قرآنی، هر گاه اضطرار آدمی به نهایت خود رسید، بی‌تردید اجابت الهی به دنبال آن خواهد آمد.

۴. چرا امام زمان علیه السلام ظهور نمی‌کند؟ آیا

مانع عمده ظهور، نبودن یاران صدیق است؟

همان گونه که یک رشته علل و عوامل، باعث غیبت شد و مردم از نعمت وجود امام ظاهر محروم شدند؛ همچنین ظهور امام نیز به تحقق زمینه‌ها و شرایط آن مشروط است و تا این شرایط، فراهم نشود، ظهوری نخواهد بود. یکی از شرایط عمده، وجود یاورانی است که همراه امام، بار قیام را بر دوش بکشند و تا آخر، از همراهی و یاری رهبر خود دست

برندارند و او را تنها نگذارند. سدید صیرفی در گفت‌وگویی با امام صادق علیه السلام درباره عدم قیام می‌گوید:

حضرت، مرا به خارج مدینه برد، تا آن که وقت نماز، در محلی پیاده شدیم. امام صادق علیه السلام به جوانی که در آن نزدیکی بز می‌چراند، نگاهی کرد و فرمود: «ای سدید! به خدا قسم! اگر پیروان من، به تعداد این بزها بودند، بر جای نمی‌نشستم [و قیام می‌کردم]. سدید گوید: «بعد از تمام شدن نماز، حیوانات آن گله را شمردم و یافتم که عدد آنها از هفده تجاوز نمی‌کند».

(کافی، ج ۲، ص ۱۹۰، ح ۴)

تحقق این شرط، لازم است؛ ولی کافی نیست، و باید زمینه‌های دیگر نیز فراهم شود. از جمله آن شرایط، قابلیت مردم برای پذیرش دولت حق است؛ به این معنا که عموم مردم و جامعه بشری (نه گروهی خاص و در منطقه‌ای خاص) باید به درجه‌ای از معرفت برسند که دریابند حکومت‌ها و مکاتب ساخته بشر، جواب‌گوی نیاز مردم نیست و به وسیله این‌ها، سعادت و عدالت واقعی به بشر هدیه نمی‌شود.

خلاصه آن که مردم، خود باید ظهور عدالت را بخواهند و جهانیان را با زیبایی‌های دوران ظهور آشنا کنند و روحیه عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی را در همه جا گسترش دهند. مرحوم خواجه نصیر طوسی، در کتاب *تجرید الاعتقاد* در بخش امامت، علت غیبت امام را کوتاهی مردم می‌داند؛ چرا که اعمال و کردار مردم، باعث شد امام از میان مردم برود؛ بنابراین باید مردم از راه غلطی که رفته‌اند، برگردند و امام را بخواهند، تا ظهور صورت گیرد.

از این رو، شیخ صدوق در مقدمه کتاب

*کمال الدین می‌گوید:*

ظهور حجت‌های الهی در مقامات پیشوایی خود، بر سبیل امکان و تدبیر، نسبت به مردم زمان خودشان است. اگر حال (مردم) طوری باشد که امام بتواند تدبیر و رهبری اولیایش را بر عهده بگیرد - یعنی مردم حاضر باشند حرف او را بپذیرند و او بتواند اراده خدا را پیاده کند - ظهور آن حجت، لازم خواهد بود و اگر وضع به گونه‌ای باشد که امام نتواند تدبیر در رهبری اولیایش را بر عهده بگیرد و حکمت الهی، موجب پنهانی او شود و

تدبیر نیز آن را اقتضا کند، خداوند او را در پشت پرده غیبت نهان می‌سازد، تا زمانی که وقت مناسب فرا رسد.

۵. هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام ایران اسلامی، در چه شرایط و موقعیت اجتماعی قرار دارد؟

با توجه به روایات، می‌توان شرایط ایران را تا حدودی این گونه ترسیم کرد: دانش و معارف دین اسلام و مکتب تشیع، از ایران و قم، به جهانیان صادر می‌شود؛ لذا موقعیت علمی ایران، ممتاز است و اصلی‌ترین مرکز دین اهل بیت علیهم السلام خواهد بود.

در روایتی از وجود مقدس امام صادق علیه السلام نقل شده است:

به زودی کوفه، از مؤمنان خالی گشته و دانش، مانند ماری که در سوراخش پنهان می‌شود، از آن شهر رخت می‌بندد. سپس علم در شهری به نام قم ظاهر می‌شود. آن شهر، معدن علم و فضل می‌گردد [و از آن جا به سایر شهرها پخش می‌شود] به گونه‌ای که در زمین، جاهلی نسبت به دین باقی نمی‌ماند، حتی زنان در خانه‌ها.

این قضیه، نزدیک ظهور قائم علیه السلام واقع می‌شود ... علم، از قم به سایر شهرها در



شرق و غرب پخش می شود و حجّت بر جهانیان تمام می شود، به گونه ای که در تمام زمین، فردی پیدا نمی شود که دین و علم به او نرسیده باشد. بعد از آن، قائم علیه السلام قیام می کند و سبب انتقام خدا و غضب او بر بندگان [ظالم و معاند] می شود؛ زیرا خداوند، انتقام [و عذاب] بر بندگان روا نمی دارد، مگر وقتی که حجّت را انکار کنند. (بحارالانوار، ج ۶۰ و ۵۷، ص ۲۱۳)

خیزش و جنبشی بزرگ برای دعوت مردم به دین، در ایران روی می دهد. از امام کاظم علیه السلام نقل شده است:

مردی از اهل قم، مردم را به سوی حق دعوت می کند. گروهی، دور او اجتماع می کنند که مانند پاره های آهن هستند و بادهای تند [حوادث] نمی تواند آنان را از جای برکند. از جنگ خسته نمی شوند و کناره گیری نمی کنند و بر خدا توکل می کنند. سرانجام، پیروزی برای متقین و پرهیزکاران است. (بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ح ۳۷)

شاید این حرکت، همان حرکتی است که از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

گویا می بینم گروهی از مشرق زمین، خروج می کنند و طالب حق هستند؛ اما به آنان پاسخ داده نمی شود. مجدداً بر خواسته خود تأکید می کنند، ولی جواب نمی شنوند. پس چون چنین دیدند، شمشیرها را به دوش می کشند و در مقابل دشمن می ایستند، تا حق به آنان داده می شود؛ اما این بار قبول نمی کنند؛ بلکه قیام می کنند و [پرچم قیام را] نمی دهند مگر به صاحب شما [امام زمان .] (بخارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳، ص ۱۱۶)

## ۶. انقلاب اسلامی ایران چه نقشی در

### امر قیام و ظهور امام مهدی علیه السلام دارد؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است:

يُخْرِجُ نَاسًا مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُوطِنُونَ [يُمَهِّدُونَ]

للمهدى سلطانه؛

گروهی از مردم از طرف مشرق خروج

می کنند پس برای مهدی علیه السلام حکومتش را

آماده می کنند. (بخارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۷)

هر انقلاب و نهضتی برای رسیدن به

اهداف عالی خود، به یک سری مقدمات و

آمادگی هایی نیاز دارد و اساساً به ثمر رسیدن

هر پدیده و حرکت اجتماعی، به زمینه سازی

و برنامه ریزی قبلی احتیاج دارد. در غیر این

صورت، آن رخداد و حرکت، یا شروع نمی‌شود  
یا به پایان و نتیجه مطلوب نمی‌رسد.

در این میان، روشن است هر چه آن  
انقلاب، بزرگ تر و گستره‌اش وسیع تر باشد،  
اهمیت آمادگی و مقدمه چینی برای آن،  
بیشتر است.

دعوت و قیام جهانی حضرت ولی عصر علیه السلام  
نیز به زمینه‌ها و شرایطی نیاز دارد که بخشی  
از آنها را افراد جامعه بشری مهیا می‌کنند.  
اینجا است که یک حکومت و انقلاب  
برخاسته از متن جامعه - که مبتنی بر احیای  
ارزش‌های فراموش شده است و در راستای  
اهداف و بلند حضرت بقية الله الاعظم حرکت  
می‌کند - می‌تواند زمینه را برای ظهور  
حضرت، در جهات مختلف، مانند آمادگی  
روحی و روانی، آمادگی جسمانی و نظامی، بالا  
بردن سطح معرفت و شناخت به امام زمان علیه السلام  
و ... آماده کند.

همان گونه که امام راحل، آن معمار بزرگ  
انقلاب و بنیان گذار این نظام الهی فرمود:

این کشوری که کشور ائمه هدی و کشور  
صاحب الزمان علیه السلام است، باید کشوری

باشد که تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه دهد. قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را - ان شاء الله - به عدل و داد بکشد و از این جورهایی که بر مستضعفان می‌گذرد، جلوگیری کند. (صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۹۵)

### یا در جای دیگر می‌فرماید:

ما با خواست خدا، دست تجاوز و ستم همه ستمگران را در کشورهای اسلامی می‌شکنیم و با صدور انقلابمان که در حقیقت، صدور انقلاب راستین و بیان احکام محمدی صلی الله علیه و آله است، به سیطره و سلطه و ظلم جهان‌خواران خاتمه می‌دهیم و به یاری خدا، راه را برای ظهور منجی و مصلح کل و امامت مطلق حق، امام زمان علیه السلام هموار می‌کنیم. (همان، ج ۲۰، ص ۱۳۲)

امام خمینی در بخشی دیگر، انقلاب ایران را شروع انقلاب مهدی می‌داند:

انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم داری حضرت حجت علیه السلام است که خداوند، به همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد. (همان، ج ۲۱، ص ۱۰۸)

مقام معظم رهبری نیز فرمود:

ما باید بدانیم که ظهور ولی عصر علیه السلام همان طوری که با این انقلاب ما، یک قدم نزدیک شد، با همین انقلاب ما باز هم می‌تواند نزدیک‌تر شود؛ یعنی همین مردمی که انقلاب کردند و خود را یک قدم به امام زمانشان نزدیک کردند، می‌توانند باز هم یک قدم و یک قدم دیگر، و یک قدم دیگر، همین مردم خودشان را به امام زمان علیه السلام نزدیک‌تر کنند. (خطبه نماز جمعه، ۵۹/۴/۶)

وی جایی دیگر، انقلاب را زمینه ساز

حکومت مهدی علیه السلام می‌داند:

... اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود علیه السلام به وسیله ملت ایران برداشته شده است و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است. (همان)

مقام معظم رهبری، رابطه این دو انقلاب را

به روشنی می‌فرماید:

انقلاب ما، در راه آن هدفی که امام زمان علیه السلام برای تأمین آن هدف مبعوث می‌شود و ظاهر می‌شود، یک مقدمه لازم و یک گام بزرگ بوده [است]. اما اگر این

گام بزرگ را بر نمی داشتیم، یقیناً ظهور ولی عصر علیه السلام به عقب می افتاد. شما مردم ایران و مادران شهید داده و پدران داغدار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیده‌اید، بدانید و شما ای امام بزرگوار امت! - بدانید که بهتر از ما می دانید - شما موجب پیشرفت حرکت انسانیت به سوی سر منزل تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی عصر علیه السلام شدید. شما، یک قدم این بار را به منزل نزدیک‌تر کردید. با این انقلاب، مانع را - که همان دستگاه و نظام پلید در این گوشه دنیا بود و سرطان بسیار خطرناک و موزی و آزار دهنده‌ای بود - این را کنید و قلع و قمع کردید. خوب، حالا بعد از این چه کنیم؟ بعد از این، تکلیف ما روشن است. (همان)

آری؛ انقلاب اسلامی ایران، همچنان که برخاسته از اعتقاد به امامت است، زمینه ساز قیام و حکومت امام مهدی علیه السلام نیز است.

۷. آیا در عصر نزدیک به ظهور، همه مردم از دین فاصله می گیرند، یا این که بیشتر به طرف دین، می آیند؟

در عصر نزدیک به ظهور، اوضاع و شرایط حاکم بر جامعه و مردم را می توان چنین

ترسیم کرد: ظلم، در جامعه فراگیر می‌شود. البته نه به این معنا که همه، ظالم و فاسد باشند؛ بلکه صاحبان ثروت و قدرت که حیات خود را در فرو دست کردن مردم می‌دانند، از هر وسیله و راهی استفاده می‌کنند، تا بر مردم سیطره یابند و از منافع جهان، بیشتر به نفع خود بهره ببرند؛ از این رو، به استعمار و استثمار روی می‌آورند. یکی از راهبردها، گسترش فساد است؛ چرا که مردمی که در شهوات غوطه می‌خورند، دیگر روحیه ظلم ستیزی را از دست می‌دهند و چه بسا اصلاً ظلمی احساس نکنند.

انسان‌های پاک و وارسته که نجات نهایی مردم را در آمادگی مردم و ظهور منجی می‌دانند، فعالیت و مجاهدت بیشتری در دو ناحیه می‌کنند: ۱. پالایش درونی خود تا برای یاری آماده باشند؛ چرا که منتظران مصلح، خود باید صالح باشند. ۲. اطلاع رسانی به عموم مردم درباره جنایات‌های صاحبان زر و زور و توجه دادن مردم برای آمادگی برای ظهور.

بنابراین می‌توان گفت عده‌ای از مردم، به

نهایت درجه ظلم و فساد می‌رسند و عده‌ای دیگر، به اوج تقوا و دین رسیده و عموم مردم را متوجه مصلح و منجی می‌کنند و قابلیت پذیرش مصلح را ایجاد می‌کنند.

۸. با توجه به این که امام زمان ظهور نمی‌کند، مگر این که جهان پر از ظلم شود، آیا این روایت با دعوت انسان‌ها به آماده سازی شرایط فرج، منافات ندارد؟ اگر جهان باید پر از ظلم شود، تا ظهور کند، پس آماده سازی شرایط چه معنا دارد؟

این گونه سؤالات در یک نقطه، اشتراک دارند و آن، این است که بین فراوانی ظلم و ستم با ظهور امام زمان، رابطه‌ای تمام وجود دارد؛ به گونه‌ای که ظهور، زمانی است که ظلم و ستم فراگیر شده باشد. پس هر چه ظلم، بیشتر شود، ظهور نزدیک‌تر می‌شود؛ لذا حق‌طلبی و اصلاح، امری بر خلاف ظهور و جریان مخالف فرج امام زمان علیه السلام است؛ در حالی که فراوانی ظلم و ستم، نه یکی از علایم ظهور است (با توجه به روایات علایم ظهور) و نه یکی از شرایط آن (با توجه به بحث شرایط ظهور)؛ بلکه از ویژگی‌های دوران آخرالزمان و



غیبت امام زمان علیه السلام است. نهایت حرفی که می‌توان زد، این است که ظهور امام زمان علیه السلام با فراگیری ظلم و ستم، مقارن است؛ بنابراین، شرط قرار دادن ظلم برای ظهور، امر صحیحی نیست. برای درک کامل مطلب، توجه به چند نکته لازم است:

الف. در این که بین سرنوشت انسان‌ها و اعمال اختیاری آنان رابطه است، هیچ تردیدی نیست. هم آدمی وجود این رابطه را در زندگی خود مشاهده می‌کند و هم در قرآن کریم بر این مطلب تاکید شده است. قرآن، هم آینده هر شخص را در دست خودش می‌داند ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (نجم: ۳۹) و هم سرنوشت جامعه را با خواست و عملکرد مردم پیوند زده است ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (رعد: ۱۱) یعنی تعیین سرنوشت جامعه، به خوبی یا بدی، در دست مردمان آن جامعه است. اسلام، از انسان می‌خواهد درباره مسائل اجتماعی ساکت نباشد و برابر ظلم و ستم، تا برقراری عدالت بایستد و حتی در این راه، به پیکار و مبارزه برخیزد:

﴿أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِإِنِّهِمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ  
قَدِيرٌ، الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ  
تَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ﴾. (حج: ۳۹-۴۰)

اسلام، کوتاهی در این زمینه را نمی‌پذیرد  
و انسان را مؤاخذه می‌کند:

﴿وَمَا لَكُمْ لَّا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾. (نساء: ۷۵)

بر همین اساس، امر به معروف و نهی از  
منکر، از واجبات دین شمرده شده است و  
خداوند به اجرای این دو فریضه بزرگ، امر  
کرده است:

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ  
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ  
الْمُفْلِحُونَ﴾. (آل عمران: ۱۰۴)

ب. به طور کلی، هیچ‌گاه یک آموزه دین  
نمی‌تواند برخلاف سایر آموزه‌های دین باشد و  
گرنه این خود، نشانه باطل بودن آن دین است؛  
لذا یکی از ویژگی‌های قرآن، عدم اختلاف در آن  
است. معنا ندارد که خداوند در آیات متعدد،  
مردم را امر به توبه و ترک گناه بکند و جایی  
دیگر، برای تحقق وعده خدا (ظهور حق و  
حجت خدا) امر به گناه شود. دینی که به توحید

و یکتاپرستی فرا می‌خواند، معنا ندارد که بخشی از آن، شرک را تأیید کرده و بپذیرد.

ج. پرشدن زمین از ظلم و ستم، هرگز به معنای آن نیست که همه افراد باید اهل ظلم و فساد باشند و همه اعمال و کردارشان بر اساس ظلم و ستم بر یک دیگر و افساد جامعه باشد؛ بلکه ممکن است عده‌ای ظلم کنند و ظلم آنان، نقاط فراوانی از زمین را بگیرد و همه جا گسترده شود. آیا برای آن که یک اتاق، مملو از دود سیگار شود، باید همه افراد داخل اتاق سیگار بکشند؟ در زمان حاکمیت فرعون، ظلم و بی‌عدالتی فراوان بود و خداوند در آیات متعدد قرآن، به آن اشاره دارد؛ ولی در فرمایش قرآن این نیست که همه ظالم بودند؛ بلکه ظلم زیاد بود. علاوه بر این؛ فراگیری ظلم، امری نسبی و کنایی است و مراد از آن، شیوع ظلم است، به گونه‌ای که جریان عدالت به چشم نمی‌آید، نه این که هیچ عدالتی نباشد.

د. در این که قیام حضرت، بدون یار و یاور تحقق‌پذیر نیست، نباید تردید کرد. آیات و روایات نیز به وجود یاوران اشاره دارد. یاری - کردن، یعنی حرکت برای اجرای برنامه‌ها و

اهداف انقلاب و تبلیغات آن‌ها میان مردم. یاوران، مردم را با انقلاب آشنا و همراه می‌کنند و در حین انقلاب، انواع فداکاری‌ها را انجام می‌دهند و بعد از انقلاب، از هیچ تلاشی فروگذاری نمی‌کنند. چنین افرادی وقتی می‌توانند موفق باشند که خود را هم‌رنگ انقلاب و رهبر کرده باشند، تا مردم جلوه‌های انقلاب را در رفتار آنان ببینند و بپذیرند. آیا حرکت در مسیر گناه و ظلم، مردم را به طرف امام زمان علیه السلام سوق می‌دهد؟ بر همین اساس، خداوند، بر ایمان و عمل صالح تکیه دارد:

ما، در زبور، بعد از ذکر نوشتیم که زمین را بندگان صالح من ارث می‌برند.  
(انبیاء: ۱۰۵)

جای دیگر می‌گوید:

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند وعده داده است، که خلافت زمین را به آنان واگذارد....  
(نور: ۵۵).

شرط تحقق انقلاب مهدی علیه السلام این است

که ایمان و عمل صالح در پرونده افراد باشد

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«دعوت کننده مردم باشید به غیر زبانتان».

(بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۰۳)

همچنین فرمودند:

«برای ما زینت باشید نه مایه آبروریزی».

(بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۵۱)

آیا گناه و ظلم، دعوت به مهدی است و

مایه زینت و افتخار امامان علیهم السلام؟

ه). وظیفه انسان، حرکت به سوی کمال و

کسب آن، از طریق عبودیت و بندگی است.

عبودیت و بندگی نیز جز در پرتو عمل به

تکالیف الهی که وظایف فردی و اجتماعی

انسان را در بردارد، امکان پذیر نیست. خداوند

در سوره عصر می فرماید:

﴿إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ

تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾؛

تنها کسانی که ایمان بیاورند و عمل صالح

انجام دهند و هم‌دیگر را سفارش به حق

و راستی بکنند، از خسران و ضرر به

دورند.

خداوند، از انسان می خواهد در گناه نماند

و به سوی او رجوع کند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تَوُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً

نَصُوحًا﴾؛

ای کسانی که ایمان آوردید! توبه کنید  
همگی؛ توبه‌ای خالص. (تحریم: ۸)

کوتاه سخن آن که خداوند انسان را در  
تعیین سرنوشت خود و جامعه، دارای تأثیر  
می‌داند و از او می‌خواهد برای اصلاح گام بردارد  
و خسته نشود و در چنین نگرشی، وعده ظهور  
را مطرح می‌کند. بنابراین انتظار منجی، به  
معنای صحیح آن، نه سکوت و تن دادن به ظلم  
است و نه کمک به فراگیر شدن ظلم؛ بلکه باید  
خواستار ظهور باشد و در این راه، تمام تلاش  
خود را به کار گیرد و اگر در این مسیر، نیاز به  
تشکیلات و حکومتی است که حرکت برای  
زمینه سازی را سامان دهد، برای تشکیل آن  
اقدام کند. طبیعی است که ظالمان و مفسدان  
نیز بی‌کار نخواهند نشست و به مقابله بر  
می‌خیزند؛ لذا جبهه ظلم، در نهایت درجه ظلم  
حرکت می‌کند و جبهه حق، به اوج تلاش  
می‌رسد. این زمان است که خداوند به مدد  
انسان‌های حق طلب می‌آید و با ظهور مهدی  
عزیز علیه السلام کار ظالمان را یک‌سره می‌کند.

۹. مراد از گسترش و فراگیر شدن ظلم در

آخرالزمان و قبل از ظهور چیست؟

در باره مفهوم و چیستی فراگیری ظلم و ستم، دو دیدگاه اصلی و مهم مطرح است:

الف. فراگیری ظلم و ستم، به معنای غالبیت است. طبق این دیدگاه، در آستانه ظهور، ظلم و ستم در جهان غالب شده و چهره جهان، چهره ظلم و ستم خواهد بود که در کنار غالبیت ظلم و ستم، صلاح و رستگاری نیز میان مردم مطرح است. نکته قابل ذکر اینکه در روایات، به فراگیری ظلم و ستم خبر داده شده است، نه فراگیری ظالم و ستمگر. با این نگاه، اگر در جهان، یک ظالم باشد و از او، ظلم‌های متعدد و متنوع سرزند و بقیه مردم، مظلوم و ستم‌دیده باشند، باز مصداق «ملئت ظلماً و جوراً» تحقق خواهد یافت.

ب. فراگیری ظلم و ستم، به معنای ظالم و فاسد بودن عموم مردم است. طبق این دیدگاه، فراگیری ظلم و تباهی در جهان به این معنا است که جهان یکپارچه، پر از ظلم و ستم خواهد شد و مردم، همگی اهل فساد و ستم می‌باشند و دیگر از صلاح و رستگاری خبری نیست.

البته دیدگاه صحیح، همان دیدگاه اول

است که توضیح آن در جواب سؤالات دیگر روشن شده است. اکنون این نکته قابل ذکر است که با مراجعه به احادیث و روایات مهدویت، این مطلب به خوبی روشن می‌شود که در هیچ یک از آن‌ها، فراگیری ظلم و ستم به عنوان شرطی از شرایط ظهور دانسته شده است. بلکه فراگیری ظلم و ستم در واقع به نوعی نهایت آمادگی و احساس نیاز شدید مردم به منجی را همراه دارد.

۱۰. حضرت علی علیه السلام هنگام قبول خلافت، فرمود: «علت قبول خلافت از طرف من، عهد و مسؤولیتی است که خدا از علما و دانشمندان گرفته است که برابر شکمبارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان و بیچارگان سکوت نکنند. و اینک مردم اطراف مرا گرفته و اصرار به قبول آن دارند». پس چرا اکنون که مردم این همه استغاثه می‌کنند و فریاد سر می‌دهند: «مهدی بیا! مهدی بیا!» و ظلم و جور در جهان بیداد می‌کند و فقر، گریبان‌گیر ملت‌ها شده است، حضرت نمی‌آید؟

با بررسی روایات، این مطلب روشن می‌شود که بین فساد و ظلم، با ظهور امام زمان علیه السلام



ارتباط خاصی نیست، تا با زیاد شدن ظلم و فساد، امر ظهور تحقق پیدا کند؛ بلکه تنها ارتباطی که بین ظلم و ظهور است، این که در زمان ظهور، ظلم و ستم جامعه انسانی را فرا گرفته است؛ لذا در روایات متعدد، ظهور حضرت و عدالت فراگیر او، با این بیان مورد توجه و اشاره قرار گرفته است که «زمین را پر از عدل و داد می‌کند؛ همان‌گونه که پر از ظلم و ستم شده بود»، نه این که شرط ظهور یا نشانه ظهور، گسترش ظلم و ستم باشد؛ بلکه آن چه در ظهور حضرت مهدی علیه السلام دخالت دارد، آن است که زمینه‌های ظهور فراهم باشد و مردم قابلیت پذیرش حضرت و اطاعت امر او را داشته باشند.

باید توجه داشت که اگر امام علی علیه السلام هنگام قبول خلافت، آن کلام بلند را فرمود و خلافت را پذیرفت، بدان سبب بود که مردم آمادگی پذیرش را اعلام کردند و حجت بر امام تمام شد؛ ولی تاریخ نشان داد که مردم واقعاً، آمادگی پذیرش را نداشتند؛ لذا حضرت پس از حکومتی حدوداً پنج ساله، در مسجد کوفه به شهادت رسید. شهادت حضرت،

ضایعه بسیار بزرگ و غیر قابل جبرانی برای جامعه بشریت بود؛ ولی هم راه امامت به دست امام حسن و سایر امامان علیهم السلام ادامه یافت و هم وظیفه امام علی علیه السلام آن نبود که با قیامی جهانی، عدالت را فراگیر کند. وظیفه هر امام، از سوی خداوند با توجه به زمان و محیط و مردم تعیین شده است. امام مهدی علیه السلام آخرین امام است و وظیفه آن حضرت، فراگیر کردن عدالت و اسلام در سرتاسر جهان است؛ لذا زمان ظهور، وقتی خواهد بود که واقعاً مردم قابلیت پذیرش را در خود ایجاد کنند و حضرت را بخواهند و تا آخر، همراه او باشند.

۱۱. آیا تعدادی که به سیصد و سیزده نفر معروفند و از یاران خاص امام مهدی علیه السلام هستند، همه، هم عصر زمان ظهور هستند، یا افرادی از سابق نیز میان آنان هستند؟

شاید در این که تعدادی از یاران گروه سیصد و سیزده نفری، از کسانی هستند که در عصر و زمان ظهور زندگی می‌کنند، جای تردید نباشد. در برخی روایات آمده است اینان کسانی هستند که شب در بستر خود ناپدید شده، پس صبح در مکه خواهند بود.

آیه «أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا»  
 (بقره: ۱۴۸) در باره این گروه است. (غیبت نعمانی،  
 ح ۳، ص ۴۳۴)

این گونه روایات، متعدد است و از آن‌ها به  
 خوبی می‌توان استفاده کرد که تعدادی از  
 یاران، حتماً هم‌عصر زمان ظهورند.

از برخی روایات نیز استفاده می‌شود برخی  
 از بزرگان روزگار گذشته، براساس مصالحی  
 خاص، دوباره زنده شده و رجعت می‌کنند و در  
 رکاب حضرت و از یاران آن بزرگوار می‌شوند.  
 در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

با قائم علیه السلام از پشت کوفه - یا کعبه -  
 بیست و هفت مرد خروج می‌کنند که  
 عبارتند از: پانزده نفر از قوم حضرت  
 موسی علیه السلام و هفت نفر از اصحاب کهف،  
 و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه  
 انصاری و مقداد و مالک اشتر. پس نزد آن  
 حضرت، از یاران و والیان هستند.  
 (بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۹۰، ح ۹۵)

بنابراین، یاران قائم علیه السلام هم از افرادی  
 هستند که هم‌عصر زمان ظهورند و هم از  
 افرادی‌اند که قبل از زمان ظهور، زندگی کرده  
 و از دنیا رفته‌اند.

۱۲. چرا بیشتر یاران حضرت مرد هستند؟

بنابر آنچه از روایات استفاده می‌شود، یاران حضرت را سه گروه تشکیل می‌دهند:

- سیصد و سیزده نفر یاران خاص که ابتدای ظهور، خدمت حضرت اجتماع می‌کنند؛

- لشکر و گروه ده هزار نفری که با اجتماع آنان، خروج صورت می‌پذیرد؛

- عموم شیعیان و ارادتمندان که در طول حرکت امام مهدی علیه السلام به آن حضرت ملحق می‌شوند.

اگر سخنی از پنجاه زن به میان آمده، مربوط به گروه اول است. از امام باقر علیه السلام در روایتی بلند نقل شده است:

«... قسم به خدا! سیصد و سیزده تن که در میان آنان، پنجاه زن هستند، در مکه اجتماع می‌کنند...» (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳، ح ۸۷)

طبیعی است که وقتی شمار زنان همراه با گروه اول، به این تعداد باشد، در گروه‌های بعد، بیشتر خواهد بود.

علاوه بر این، پرسش از کم بودن تعداد

زنان نسبت به مردان میان یاوران حضرت، حرف صحیحی نیست؛ چرا که یآوری، نه فقط به معنای جنگیدن و سلاح برکشیدن است؛ بلکه یار و یاور واقعی، کسی است که با همه وجود، در خدمت امام و اهداف او باشد و آنچه را که حضرت از او می‌خواهد، انجام دهد. در زمان غیبت و انتظار، به وظیفه یک منتظر واقعی آگاه باشد و آنچه را در این مدت شایسته است، انجام دهد. در زمان ظهور، گوش به فرمان و مطیع دستورهای او باشد و امر او را امتثال کند. مگر فاطمه زهرا و زینب کبری علیها السلام از یاوران پیامبر و امام زمان خود نبودند؛ در حالی که جنگ ظاهری با اسلحه نیز نداشتند؟ هر کس به تاریخ بنگرد، به خوبی به نقش بارز و بی‌بدیل آنان در یاری رهبر خود پی می‌برد. یاری رهبر در رساندن پیام او و مکتبش، بسیار ارزشمند است و اصولاً حرکت فرهنگی، پایه و اساس است؛ لذا در روایت، به علم و عالم و قلم او اشاره فراوان شده است: «مداد العلماء أفضل من دماء الشهداء» چرا که اگر یاری امام در بُعد فرهنگی و تبیین معارف دین او نباشد و مردم، از اهداف و

برنامه‌های امام آگاه نباشند، طبعاً برای کمک به گسترش فرهنگ و مکتب او، سلاح به دست نمی‌گیرند. زنان در این عرصه مهم، به خوبی می‌توانند ایفای نقش کنند و یاری امام خود را در حدّ اعلا، اعلام و آشکار کنند.

در مواردی که یاری کردن، مربوط به حالت جنگ و قیام و جهاد باشد، طبیعی است که مردان باید فعال‌تر حضور داشته باشند؛ چرا که خداوند با توجه به ویژگی‌های جسمی و روحی زنان و مردان، وظایف و تکالیف را قرار می‌دهد و ویژگی‌ها و مشکلات جنگ، به گونه‌ای است که نه با جسم زن سازگاری دارد و نه با روح او هم‌خوانی؛ لذا وظیفه جهاد، از دوش آنان برداشته شده است، مگر در زمان ضرورت.

از این مجموعه منتشر شده است:

انتظار ۱. ضرورت طرح مباحث مهدویت / روح الله شاکری

انتظار ۲. پژوهشی عقلی درباره حضرت مهدی علیه السلام / روح الله شاکری

انتظار ۳. امام مهدی علیه السلام در قرآن / مهدی یوسفیان

انتظار ۴. امام مهدی علیه السلام در قرآن / جمعی از محققان

انتظار ۵. طلوع خورشید / مهدی یوسفیان

انتظار ۶. رخدادهای ظهور / مهدی یوسفیان

انتظار ۷. اندیشه مهدویت و آسیب‌ها / محمدصابر جعفری

انتظار ۸. مهدی ستیزان / محمدصابر جعفری

انتظار ۹. پژوهشی درباره جزیره خضراء / مجتبی کلباسی

انتظار ۱۰. جهانی شدن و حکومت حضرت مهدی علیه السلام / رحیم کارگر

انتظار ۱۱. غیبت امام مهدی علیه السلام / مهدی یوسفیان

انتظار ۱۲. شرایط ظهور / مهدی یوسفیان